

طبق گفته محمدعلی بن شیخ عبدالواسع، در آغاز قرار بوده است که این کتاب در سه نسخه صغیر، وسط و کبیر نوشته شود که نسخه صغیر آن نوشته نشد و وسط یا کبیر بودن نسخه‌های خطی موجود نیز دقیقاً مشخص نیست (همان، مقدمه غلام سرور، ص ۱۸-۲۰).

به گفته مؤلف (ص ۱)، مطالب جواهرالاولیا حاصل شنیده‌های وی از پدرش یا برگرفته از کتابهای معتبر و اوارد مشایخ است یا طی مکاشفات حاصل از چله‌نشینی و اعتکافها، آنها را از پیامبر اکرم و اولیا شنیده است. این کتاب شامل مقدمه‌ای کوتاه، پنج فصل (پنج جواهر)، بخش اضافه‌ی کتاب اصلی، ضمیمه و اضافه‌ی دیگر است.

برخی منابعی که نویسنده از آنها بهره برده است، عبارت‌اند از: احیاء علوم الدین، منهاج العابدین و خلاصه التصانیف غزالی (برای نمونه به بخاری، ص ۲۰۷، ۲۸۹، ۳۵۸)؛ سفینه‌الاولیاء اثر داراشکوه؛ سیرالعارفین نوشته حامدبن فضل‌الله جمالی دهلوی؛ و کنزالعارفین نوشته مخدوم جهانیان (به همان، مقدمه غلام سرور، ص ۷۶-۷۹).

از جواهرالاولیا دو نسخه خطی در کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در راولپندی، و یک نسخه خطی در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور موجود است (همان مقدمه، ص ۵، ۱۱، ۱۴).

در ۱۳۵۵ ش / ۱۹۷۶، غلام سرور، از رؤسای پیشین بخش فارسی دانشگاه کراچی، کار تصحیح و مقابله جواهرالاولیا را به پایان رساند و آن را با مقدمه‌ای مفصل، که جداگانه در همان سال منتشر شد، در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان چاپ کرد.

منابع: باقر بن عثمان بخاری، جواهرالاولیا، تصحیح و تحشی و مقدمه غلام سرور، اسلام‌آباد ۱۳۵۵ ش.

/ فاطمه رحیمی /

جواهر الحسان فی تفسیر القرآن - ثعالی،

عیدالرحمان بن محمد

جواهر العرایس - عرایس الجواهر و

نفایس الاطایب

جواهر الکلام (یا جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام)، اثری جامع و استدلالی در فقه امامی، نوشته محمدحسن نجفی^۵، معروف به صاحب جواهر، فقیه بزرگ امامی قرن سیزدهم. این کتاب شرح مبسوط شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام محقق حلی (متوفی ۶۷۶) است. در دوره پیش از صاحب جواهر، به سبب عواملی چون نهضت

کم‌نظیر بودن، به جواهر تشبیه کرده است (بخاری، مقدمه غلام سرور، ص ۷۳).

جواهرالاولیا به پیشنهاد محمدعلی بن شیخ عبدالواسع صوفی (از مریدان بخاری اوچی) و به خط وی نگارش یافت (همان مقدمه، ص ۲۵). بخاری (ص ۱) هدف خود را از نوشتن این کتاب، استفاده عوام برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت ذکر کرده است.

بخاری جواهرالاولیا را در دوره حکومت دو تن از پادشاهان مغولی هند، شاه‌جهان (حک: ۱۰۳۷-۱۰۶۸) و اورنگ زیب (حک: ۱۰۶۸-۱۱۱۸) - که دوران رونق و رواج زبان فارسی در شبه‌قاره هند بوده - تألیف کرده است (همان، مقدمه غلام سرور، ص ۸۲، ۱۰۶).

بنابر نظر غلام سرور، بخاری در نگارش جواهرالاولیا از سبک ابوالفضل علامی^۶ (متوفی ۱۰۱۱)، وزیر اکبرشاه (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴)، که تأکید فراوانی بر فارسی‌نویسی داشته، تأثیر پذیرفته است (همان مقدمه، ص ۱۰۸، ۱۱۲). با وجود این، بخاری بسیاری از ادعیه و اوارد را به زبان عربی و غالباً بدون ترجمه به فارسی آورده و همچنین از لغات، ترکیبات و جملات عربی بسیار استفاده کرده است، به طوری که نثر جواهرالاولیا را می‌توان از نمونه‌های «نثر فارسی ساده آمیخته به عربی» دانست (به همان مقدمه، ص ۱۱۰، ۱۱۶-۱۲۰).

تاریخ دقیق تألیف جواهرالاولیا معلوم نیست، اما با توجه به مطالب کتاب (ص ۳۳۳)، احتمالاً تألیف آن در ۱۰۹۸ هنوز ادامه داشته است (نیز به همان، مقدمه غلام سرور، ص ۸۱-۸۲).

این کتاب را می‌توان یکی از منابع صوفیان و مرشدانی دانست که برای علاج مشکلات مادی و معنوی مردم از علوم خفیه، چون تعاویذ و عرایم و طلسمات، استفاده می‌کردند. از خلال مطالب کتاب می‌توان تا حدود زیادی به کیفیت زندگی اجتماعی طبقه فرودست، فقیر و بی‌خانمان آن روزگار هند و نیازها و آرزوهای آنان آگاهی یافت (به همان مقدمه، ص ۸۵-۹۴).

در این کتاب نام بسیاری از علمای اسلامی و بزرگان صوفیه، با ذکر نام برخی از آثار آنان، آمده است. همچنین سلسله نسب و سلسله طریقتی مؤلف (همان مقدمه، ص ۶۳-۶۵) و چند تن از مشایخ صوفیه، مانند شیخ محیی‌الدین عبدالقادر گیلانی (به بخاری، ص ۱۶۱)، شهاب‌الدین سهروردی (همان، ص ۱۶۳) و زکریای ملتانی (همان، ص ۱۶۵)، ذکر شده است. در صحت انتساب بعضی مطالب به برخی بزرگان، تردید جدی وجود دارد، از آن جمله اواردی است که به ابونصر فارابی (به همان، ص ۴۵)، محمدبن زکریای رازی (همان، ص ۷۹) و ابن‌سینا (همان، ص ۴۴) نسبت داده شده است.

علمی آقا محمدباقر بهبهانی* و مقاومت سرسختانه او و پیروانش در برابر اخباریان، عوامل سیاسی و تحقق امنیت نسبی، زمینه رشد و شکوفایی حوزه‌های علمی شیعه فراهم شده بود. صاحب جواهر در عصری می‌زیست که از یک سو به دلیل تلاشهای شاگردان وحید بهبهانی، حوزه علمی نجف، به‌ویژه در عرصه فقه و اصول و ادبیات، در اوج تحول و نشاط علمی بود و از سوی دیگر، چندین اثر مبسوط و ابتکاری در فقه و اصول تألیف شده بود، از جمله کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء شیخ جعفر نجفی، مفتاح الکرامه سید محمدجواد عاملی، القوانين المحکمة میرزا ابوالقاسم قمی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالادلة سیدعلی طباطبائی و الدررة النجفیة سید محمد مهدی بحر العلوم (ع نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱، مقدمه مظفر، ص ۸-۱۳).

بر پایه آنچه از صاحب جواهر نقل شده، وی ابتدا نمی‌خواست شرحی بر شرایع بنگارد، بلکه بر آن بوده تا برای مراجعات شخصی خود، یادداشت‌هایی در مباحث گوناگون فقهی تنظیم کند (حرزالدین، ج ۲، ص ۲۲۶؛ آل محبویه، ج ۲، ص ۱۳۳). مظفر (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱، مقدمه، ص ۱۶-۱۷) شیوه تألیف کتاب را مؤید این نکته دانسته است. صاحب جواهر در مقدمه (ص ۲-۳)، سبب گزینش شرایع را به عنوان متن، جامعیت، استواری مباحث، شیوایی نثر و نیز توجه و اهتمام خاص فقها به آن دانسته و غرض خود را از تألیف جواهر، آشنا کردن فقه‌دانان با فواید و دقایق پنهان شرایع، تبیین ادله مسائل آن، توضیح لغزشهای شارحان آن و پرداختن به اقوال فقها و مستندات آنها به گونه‌ای موجز، ذکر کرده است.

مشهور است که نجفی تألیف جواهر را در ۲۵ سالگی آغاز کرده است (آقابزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۲۷۶). محمدباقر خوانساری (ج ۲، ص ۳۰۵) نیز نوشته که او در ۱۲۶۲ حدود هفتاد سال داشته؛ بنابراین، آغاز تألیف کتاب را سال ۱۲۱۷ حدس زده‌اند (ع جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، ج ۱، ص ۷۲). ولی به نظر آقابزرگ طهرانی (ج ۵، ص ۲۷۵-۲۷۶) قرآنی نشان می‌دهد که وی تنها بخشی از مبحث طهارت را در زمان حیات استادش، شیخ جعفر کاشف الغطاء، تألیف کرده بوده، پس تألیف کتاب مدتی پیش از ۱۲۲۷ آغاز شده بوده است.

از تاریخهایی که مؤلف، بر پایه نسخه‌های معتبر کتاب، برای انتهای تألیف مجلدات مختلف آن ذکر کرده است، برمی‌آید که او مباحث را دقیقاً مطابق با ترتیب شرایع تألیف نمی‌کرده است. مثلاً نگارش بخشی از مبحث نماز و همه مبحث نکاح در سال ۱۲۴۷، مبحث قضا در ۱۲۵۰، مبحث دیات در ۱۲۵۴ و مبحث حج در ۱۲۵۶ به پایان رسیده و آخرین مبحثی که نگاشته شده، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر بوده که در ۱۲۵۷ خاتمه

یافته است (ع آقابزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۲۷۶-۲۷۷؛ نیز ع نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۰، ص ۴۶۸، ج ۲۱، ص ۴۱۰، ج ۳۱، ص ۳۹۸، ج ۴۳، ص ۴۵۳). برخی ارجاعات متن کتاب (ع ادامه مقاله) نیز مؤید این نکته است. بدین ترتیب، تألیف آن بیش از سی سال به طول انجامیده است.

جواهر شرحی مزجی است و از این رو، فصل‌بندی و ترتیب ابواب آن همانند خود شرایع و شامل چهار بخش کلی عبادات، عقود، ایقاعات و احکام است (برای تفصیل مطلب ع شرایع الاسلام*). صاحب جواهر در ذیل تعابیر و اصطلاحات مهم در متن شرایع، به‌ویژه آنها که موضوع احکام فقهی است، به استناد منابع لغت و اصطلاح‌شناسی، به نقل و تحلیل دیدگاههای گوناگون درباره معنای مراد از این اصطلاحات و احياناً نقد آنها پرداخته است. در موارد بسیاری به توضیح کوتاه متن بسنده نشده و پس از پایان یافتن جمله یا عبارت متن و ذکر یک حکم شرعی یا مسئله فقهی، درباره آن به گونه مبسوط‌تری توضیح داده شده است که معمولاً شامل تمام یا بخشی از این موضوعات می‌شود: اجماعی یا اختلافی بودن حکم، ادله حکم مذکور، دیدگاههای گوناگون فقهی درباره آن با اشاره به نام فقهای موافق و مخالف یا آثار آنها و توضیح و تحلیل و نقد دلایل و مستندات آنان. شرح و تبیین احکامی که چندان مهم و مناقشه برانگیز نبوده، مفضل نیست ولی در پاره‌ای از موارد، به‌ویژه در مباحث عبادات، بسیار طولانی است (برای نمونه ع ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۱۱۴-۱۳۷، ج ۷، ص ۱۷۱-۱۷۹، ج ۱۱، ص ۱۵۱-۱۹۳).

صاحب جواهر در موارد بسیاری توضیح مطلب را به مباحث قبلی (برای نمونه ع ج ۸، ص ۷۳، ۷۵، ج ۱۷، ص ۱۸۹، ج ۲۱، ص ۱۵۶) یا بعدی (برای نمونه ع ج ۸، ص ۷۳، ج ۱۲، ص ۲۶۰، ج ۲۵، ص ۲۶۰) احواله کرده و در مواردی (برای نمونه ع ج ۳۸، ص ۵۱-۵۲) عنوان مسئله ارجاع شده را ذکر کرده است. همچنین گاهی پس از توضیحی اندک درباره موضوع مورد بحث، تفصیل مطلب را به جای خود ارجاع داده است (برای نمونه ع ج ۲۵، ص ۱۵۹، ج ۲۶، ص ۲۷۴). نجفی چه بسا بر سخن محقق حلّی قیدی زده که اغلب برای تبیین بیشتر مطلب است، ولی گاه ناشی از اختلاف نظرش با او و از باب مناقشه است (برای نمونه ع ج ۷، ص ۱۰۳-۱۰۴، ج ۴۰، ص ۳۸۷، ج ۴۱، ص ۴۰۳). در پاره‌ای از موارد، نقد او بر نظر اجتهادی محقق حلّی، بسیار صریح است (برای نمونه ع ج ۸، ص ۲۹۵، ج ۱۶، ص ۲۱۴، ج ۳۰، ص ۲۷۴).

مهم‌ترین ادله مورد استناد در جواهر الکلام عبارت‌اند از: قرآن، سنت، اجماع یا شهرت منقول و مختصّل، سیره متشرعه، سیره (بنای) عقلا و اصول عملی مانند اصل برائت، استصحاب

و اشتغال. از ادله دیگر، که استناد به آنها در این کتاب کم نیست، این موارد شایان ذکر است: «ضروری دین» (برای نمونه - ج ۳، ص ۲۲۵، ج ۱۶، ص ۱۳۴، ۳۵۳، ج ۴۱، ص ۳۴)، «ضروری مذهب» (ج ۶، ص ۵۶، ج ۱۳، ص ۲، ج ۳۴، ص ۱۰۸)، «اجماع مسلمین» (ج ۲، ص ۱۵، ج ۱۳، ص ۲۹۸، ج ۳۹، ص ۶) و «اجماع مُرُکَّب» (ج ۱، ص ۲۰۳، ج ۳، ص ۱۱۵، ج ۱۱، ص ۲۱). بهره‌گیری از عامل «عرف»، به‌ویژه برای شناخت موضوعات احکام، نیز در جواهر شیوع دارد، البته اعتبار عرف از دیدگاه صاحب جواهر منوط به وجود شرایطی است (ج ۳، ص ۵۱، ج ۹، ص ۲۴۵؛ نیز - کلاتری ارسنجانی، ص ۱۱۶-۱۲۴؛ بنای عقلا؛ عرف^۵). استناد به قواعد فقهی، از جمله قاعده لا ضرر، نیز در این کتاب چشمگیر است (موسوی خلیفایی، ص ۲۲).

بخش مهمی از مباحث جواهر الکلام را بحث و تحلیل درباره چگونگی استنباط احکام فقهی از احادیث تشکیل داده است که عمدتاً به بررسی دلالت احادیث بر آن احکام و حل تعارض احادیث با یکدیگر یا با ادله دیگر اختصاص دارد. بحث تفصیلی درباره سند احادیث در این کتاب کمتر دیده می‌شود (برای نمونه‌هایی از بحث تفصیلی درباره سند - ج ۴، ص ۹-۸، ج ۶، ص ۷۴، ج ۱۴، ص ۳۳۸). این امر، همچنان‌که از تعبیر صاحب جواهر برمی‌آید، نتیجه منطقی این دیدگاه اصولی اوست که ضعف سند احادیث با اجماع (برای نمونه - ج ۴، ص ۱۲۲، ج ۱۱، ص ۴۰۶-۴۰۵، ج ۱۹، ص ۴۰۶) یا شهرت (ج ۱، ص ۲۶، ج ۲۰، ص ۲۶۶، ج ۴۱، ص ۱۴۳، ۱۹۱) یا فتوای فقها (ج ۱۲، ص ۴۱۰، ج ۲۰، ص ۳۶۲) جبران شدنی است. به نظر برخی محققان (برای نمونه - بروجردی، المستند، در موسوعة، ج ۲۲، ص ۳۰۵؛ محمدتقی خوئی، مبانی العروة الوثقی، در همان، ج ۳۲، ص ۲۸) کاربرد اصطلاحات حدیثی (مانند مضمَر، خبر، صحیح، صحیح، حسنه و موثق) درباره احادیث ذکر شده در آن، در مواردی با تسامح یا بی‌دقتی همراه است.

بخش قابل توجهی از جواهر را نقل اقوال فقهای امامی، مستقیم یا غیرمستقیم و گزارش گونه، تشکیل داده است. غرض مؤلف از این کار، حل تعارض میان آرای فقها یا آثار آنان، نقد دیدگاههای آنها یا تأیید دیدگاه محقق حلی یا خودش است. آرای فقهای متقدم و متأخر شیعه و حتی شماری از معاصران وی در این اثر مورد توجه قرار گرفته است (به ادامه مقاله). دیدگاههای شارحان شرایع به‌ویژه آرای شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) در مسالک الافهام و سیدمحمدبن علی موسوی عاملی (متوفی ۱۰۰۹) در مدارک الاحکام بسیار نقل و نقد شده است. صاحب جواهر همخوانی یا ناهمخوانی آرای محقق را در شرایع با دو اثر دیگرش المختصر النافع و المعتبر یادآور شده است (برای برخی موارد ناهمخوانی با المختصر النافع - ج ۲، ص ۷۶، ج ۱۱،

ص ۳۵۸، و بالمعتبر - ج ۱، ص ۲۳۳، ۳۳۵، ج ۱۵، ص ۳۱). چه بسا صاحب جواهر برای آرای فقهی، حتی اقوالی که نپذیرفته، ادله‌ای فرضی آورده و تحلیل و نقد کرده است. او گاه آرا و استدلالهایی را بدون ذکر قائلان آن نقل کرده (برای نمونه - ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳، ج ۳، ص ۱۸۳، ج ۲۸، ص ۳۰۰) و گاه هیچ قائلی برای یک نظر نیافته است (ج ۱، ص ۳۶۵، ج ۱۳، ص ۱۰۷). در موارد متعددی صرفاً مردود بودن یک دیدگاه، بدون ذکر دلیل، مطرح شده است (برای نمونه - ج ۸، ص ۹۶، ج ۱۰، ص ۲۲۹، ج ۲۴، ص ۸۶، ج ۴۳، ص ۳۷). در پاره‌ای موارد، انتقاد صاحب جواهر از فقهای پیشین (ج ۸، ص ۱۴۰، ج ۱۱، ص ۱۷۸، ج ۱۲، ص ۱۹۱-۱۹۲، ج ۱۹، ص ۳۷) یا معاصر خود (ج ۸، ص ۱۸۷، ۲۰۰، ج ۱۱، ص ۴۲۲) بسیار تند و صریح است. علاوه بر آرای فقهای امامی، در شماری از احکام، اقوال مذاهب دیگر از جمله زیدیان (ج ۷، ص ۱۴، ج ۳۰، ص ۲) و نیز برخی فقهای بزرگ اهل سنت از جمله ابوحنیفه و شافعی (ج ۲، ص ۲۰۴، ج ۳، ص ۲۳۸، ۲۹۸، ج ۴، ص ۲۷۳) مورد توجه قرار گرفته است. نقل دیدگاههای اهل سنت به مواردی که احتمال تقیه در احادیث مطرح بوده، اختصاص ندارد (برای نمونه - ج ۱، ص ۵۵-۵۶، ج ۱۲، ص ۴۵۷، ج ۲۳، ص ۳۲). صاحب جواهر در ضمن بحث درباره هر مسئله، نظر خود را بیان کرده که در بیشتر موارد مطابق با نظر اجماعی یا مشهور فقیهان امامی است. از این رو، برخی فقها وی را «سخنگوی دیدگاه مشهور» (لسان‌المشهور) خوانده‌اند (ج ۱، ص ۵۳۳؛ امام خمینی، کتاب النحل فی الصلوة، ص ۱۳۹؛ جوادی آملی، ج ۳، ص ۴). او در چند جای جواهر الکلام (برای نمونه - ج ۷، ص ۳۴۳، ج ۱۶، ص ۷۱)، محقق اردبیلی و پیروان مکتب فقهی او (یا «اتباع‌المقدس» به تعبیر او - ج ۷، ص ۳۴۳) را به دلیل نپذیرفتن برخی احکام اجماعی نکوهیده است. با این همه، گاهی خود نیز رأی مشهور را رد کرده است (برای نمونه - حائری، همانجا).

برخی مبانی و دیدگاههای صاحب جواهر درباره مسائل فقهی یا اصولی در جواهر الکلام انعکاس یافته است. از جمله آرای فقهی اوست: مشروط نبودن تصدی امر قضا به اجتهاد (ج ۴۰، ص ۱۶، ۱۹)، کافی نبودن معاطات برای تحقق عقد بیع (ج ۲۲، ص ۲۴۴)، اصلی کبیره بودن گناهان مگر در موارد استثنا شده (ج ۴۱، ص ۴۵) و وسیع بودن دامنه اختیارات حاکم شرعی (بحر العلوم، ص ۲۱۲). نجفی در برخی موارد به مناسبت ضرورت بحث، به مبحث اصول پرداخته است (برای نمونه - ج ۱، ص ۱۰۷، ج ۵، ص ۲۱۵)، ولی در بیشتر مباحث تنها به دیدگاه اصول خود اشاره کرده و تفصیل بحث را به محاضرات و دروس اصول خود (برای نمونه - ج ۱۱،

ص ۳۰۶، ج ۱۵، ص ۴۵۹، ۴۹۴، ۵۳۷، ج ۱۹، ص ۳۱۳، ج ۳۵، ص ۳۳۱) یا آثار مکتوبش در علم اصول (ج ۱۹، ص ۳۸۴، ج ۲۰، ص ۳۶۷، ج ۳۳، ص ۱۶۷) واکذارده است. همچنین وی از رساله‌هایی اصولی یا فقهی که نگاشته یا قصد نگارش آنها را داشته، گزارش داده است (ج ۳، ص ۳۶۱، ج ۵، ص ۲۱۶، ج ۸، ص ۲۸۵-۲۸۶).

برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌های اصولی صاحب جواهر، که در جای جای کتاب ذکر شده و با توجه به از میان رفتن کتاب او در علم اصول (ج نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱، همان مقدمه، ص ۸)، اهمیتی خاص دارد، چنین است: جواز تسامح در ادله سنن (برای نمونه ج ۲، ص ۳۲۸، ج ۴، ص ۲۱۴)، حجت نبودن مفهوم لقب (ج ۳۹، ص ۱۰۱) و مفهوم وصف (ج ۱۲، ص ۴۲۸، ج ۴۰، ص ۱۱۲)، معتبر بودن «حدیث موثق» حتی اگر «حدیث صحیح» نباشد (ج ۲۹، ص ۲۹۲، ج ۳۶، ص ۳۵۳)، جواز تخصیص قرآن به خبر واحد (ج ۳۳، ص ۲۵۴، ج ۳۴، ص ۳۴، ج ۴۲، ص ۱۹۰) و ضرورت قصد امتثال امر در عبادات (ج ۲، ص ۸۷-۸۸، ج ۹، ص ۱۵۵؛ نیز برای برخی آرای دیگر ج ۶، ص ۱۹۴، ج ۱۱، ص ۴۷۳، ج ۲۶، ص ۱۹، ج ۲۸، ص ۱۰۴). صاحب جواهر از کاربرد دقت‌های فلسفی و عقلی در فرایند استنباط احکام به شدت انتقاد کرده است (ج ۷، ص ۲۱۰، ج ۸، ص ۲۸۵، ۲۸۹، ج ۹، ص ۴۰۰، ج ۳۳، ص ۵۶).

در جواهر الکلام علاوه بر مباحث فقهی و اصولی و قرآنی و حدیثی و ادبی، مطالب متنوع دیگری نیز به چشم می‌خورد. صاحب جواهر گاه به مناسبت بررسی مفهوم احادیث و استنباط احکام فرعی از آنها، به عرف زمان خود توجه کرده و به برخی از عادات و سنت‌های متداول در آن عصر اشاره نموده است (برای نمونه ج ۴، ص ۳۳۰، ج ۶، ص ۴۰، ج ۱۵، ص ۱۷۷، ج ۳۶، ص ۱۲۰). گاه حوادث مهم عصر خود، مانند واقعه شیوع بیماری طاعون در نجف، را یادآور شده است (ج ۳۱، ص ۳۹۸). در مبحث نماز، وی به مناسبت ذکر امارات قبله، زاویه انحراف قبله شهرهای متعددی را در جهان اسلام از پاره‌ای منابع نقل کرده که البته عاری از دقت است (ج ۷، ص ۳۶۹-۳۷۱). او در دو جا (ج ۱۲، ص ۱۷۵، ج ۲۹، ص ۳۱۳) ابوالحسن شریف فتونی عاملی (متوفی ۱۱۳۸) را جد خود شمرده است. در جایی دیگر (ج ۳، ص ۶)، زمان انحصار مذاهب اهل سنت را به چهار مذهب، اوایل قرن هفتم دانسته است.

از ویژگی‌های مهم جواهر الکلام، شمول آن بر فروع فقهی بسیار در هر موضوع است، به گونه‌ای که برخی مسائل که در منابع فقهی دیگر اصلاً مطرح نشده، در این کتاب یافته می‌شود (جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، ج ۱، ص ۸۰؛ غفوری، ص ۹۵). صاحب جواهر علاوه بر مسائل جزئی فقهی که در ذیل

متن شرایع مطرح کرده، در برخی موارد خود بابی گشوده (با عنوان فائده، فوائد و مانند اینها) و مسائلی را که محقق حلی و فقهای دیگر بدان نپرداخته‌اند، مطرح نموده است (برای نمونه ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۸، ج ۱۲، ص ۳۱۲-۳۰۵، ج ۱۵، ص ۳۸۸، ج ۲۷، ص ۴۹-۴۸، ج ۲۸، ص ۴۰۳). وی گاهی به مسائلی که در زمان خود مطرح بوده، پرداخته و بدانها پاسخ داده است (برای نمونه ج ۳۶، ص ۱۰۹، ۱۵۳).

یکی دیگر از ویژگی‌های جواهر الکلام، کاربرد فراوان تعبیر اختصاری در مورد نام اشخاص و آثار علمی است، مانند تعبیر «فاضل» برای علامه حلی، «فاضلان» برای محقق حلی و علامه حلی، «خراسانی» برای فاضل سبزواری (متوفی ۱۰۹۰)، «فاضل معاصر» برای سیدعلی طباطبائی معروف به صاحب ریاض (متوفی ۱۲۳۱) و «شارح الدرر» برای آقا حسین خوانساری (متوفی ۱۰۹۸؛ برای فهرست کامل این اختصارات ج ۱، ص ۳۱-۳۱۹). از اختصارات مهم و پرشمار در جواهر الکلام، تعبیر «متأخران» (المتأخرون) است به معنای فقهایی که از نیمه دوم قرن هفتم تا اوایل قرن دهم می‌زیسته‌اند، یعنی از زمان محقق حلی تا پیش از محقق کرکی (متوفی ۹۴۰؛ ج ۲، ص ۲۶۲، ج ۱۵، ص ۸۲، ج ۲۸، ص ۴۳۷، ج ۳۶، ص ۱۴۲؛ قس معجم فقه الجواهر، ج ۱، ص ۳۱) و همچنین تعبیر «متأخران از متأخران» (متأخرو المتأخرین) به مفهوم فقهایی که از زمان محقق کرکی تا عصر صاحب جواهر بوده‌اند (ج ۲، ص ۳۶۹، ج ۳، ص ۱۶۹، ج ۴، ص ۲۲۰؛ قس معجم فقه الجواهر، همانجا). البته تتبع موارد کاربرد این اختصارات در جواهر الکلام نشان می‌دهد که واژگان مزبور در این کتاب در همه موارد به معنای دقیق خود به کار نرفته است (برای نمونه ج ۴، ص ۱۳۴، ج ۵، ص ۸۸، ج ۷، ص ۱۰۷؛ نیز برای ویژگی‌های دیگر جواهر الکلام جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، ج ۱، ص ۸۰-۸۱؛ استرآبادی، ص ۱۶۷).

منابعی که نام آنها در جواهر آمده و مستقیم یا غیرمستقیم از آنها استفاده شده، طیف گسترده‌ای از منابع فقهی، اصولی، کلامی، قرآنی، حدیثی، تاریخی و ادبی را دربرمی‌گیرد. بخش مهمی از این منابع، کتب فقهی فقهای مشهور شیعه از عصر امامان علیهم السلام تا زمان مؤلف است. از میان فقهای متقدم، آثار متعدد کسانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی و از فقیهان اعصار بعد، کسانی مانند محقق حلی، علامه حلی، یحیی بن سعید حلی، شهید اول، شهید ثانی، محقق اردبیلی، فیض کاشانی، محمدباقر مجلسی و محمدباقر سبزواری بسیار مورد نقل و استناد قرار گرفته است. علاوه بر الحقائق الناضرة شیخ یوسف بحرانی (متوفی ۱۱۸۶)

و مشارق الشموس آقا حسین خوانساری و ریاض المسائل سیدعلی طباطبائی، بهره‌گیری صاحب جواهر از آثار متعدد وحید بهبهانی و شاگردانش، که از استادان او به شمار می‌روند، چشمگیر است. از منابع فقهی اهل سنت، که معمولاً با واسطه از آنها نقل قول می‌شود، نام منابع فقه شافعی و حنفی بیشتر به چشم می‌خورد (برای نمونه ج ۲۰، ص ۱۹۱، ۳۰۳، ج ۴۰، ص ۳۴۸). همچنین رساله‌های فقهی متعددی در کتاب ذکر و از آنها نقل قول شده است.

شماری از منابع اصول فقه، از جمله الذریعة شریف مرتضی و عدة الاصول شیخ طوسی و نیز برخی منابع آیات الاحکام، از جمله فقه القرآن قطب راوندی (متوفی ۵۷۳) و کنز العرفان فاضل مقداد (متوفی ۸۲۶) و تفاسیری چون التبیان شیخ طوسی، مجمع البیان طبرسی (متوفی ۵۴۸) و الکشاف زمخشری از دیگر آثار مورد استناد در این کتاب است.

آثار حدیثی مهمی چون کتب اربعه، بحار الانوار مجلسی و وسائل الشیعة حرّعاملی، برخی منابع حدیث اهل سنت و آثار شیخ طوسی و نجاشی در علم رجال از دیگر منابع مورد استناد صاحب جواهرند. استفاده یا نقل قول او از منابع ادبی و اصطلاح‌شناسی، به‌ویژه در برخی مباحث، بسیار گسترده است و شمار زیادی از منابع مقدم مانند کتاب‌العین خلیل بن احمد و تهذیب اللغة از هری و منابع جدیدتر از جمله الطراز سیدعلی‌خان مدنی (متوفی ۱۱۲۰)، مجمع البحرین طریحی و المصباح المنیر قیومی را دربر می‌گیرد.

برخی منابع فارسی زبان نیز در آن ذکر شده‌اند، از جمله روض الجنان ابوالفتح رازی (متوفی پس از ۵۵۲)، جامع عباسی شیخ بهائی و حدیقة المتقین مجلسی اول. اشعار موجود در کتاب، به‌ویژه در مباحث طهارت و نماز، عمدتاً منقول از اثر منظوم فقهی بحر العلوم، الدرّة النجفیة، است، جز مواردی اندک که اشعار غیر فقهی آمده است (برای نمونه ج ۱، ص ۳، ج ۷، ص ۵، ج ۱۱، ص ۷۵). آثاری که نام آنها در جواهر الکلام آمده، در کتاب التعریف بمصادر الجواهر (ص ۲۲۱) معرفی شده و تعدادشان ۵۵۱ اثر ذکر شده است، هر چند شماری از آن آثار از قلم افتاده‌اند، از جمله نهایة الوصول فی علم الاصول علامه حلی (ج ۱، ص ۱۵، ج ۱۹۸۱) و شرح الکافی رضی‌الدین استرآبادی معروف به نجم‌الائمه (متوفی ۶۸۶). همان، ج ۷، ص ۱۹۲، ج ۱۱، ص ۴۵، ج ۳۵، ص ۹۵-۹۶.

با این همه، بسیاری از آثار یاد شده را نمی‌توان مأخذ و منبع جواهر الکلام به شمار آورد، زیرا تعابیر نجفی (از جمله: المَحْکِی عَنْ، مَایَحْکِی عَنْ) در این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که وی از شمار قابل توجهی از این منابع با واسطه نقل قول کرده است. بر این اساس، بیشتر این آثار را باید منبع با واسطه جواهر الکلام

دانست. از برخی معاصران صاحب جواهر نقل شده که وی اعتماد خاصی به کتاب کشف‌اللاثام فاضل هندی (متوفی ۱۱۳۷) داشته و پیش از مطالعه آن به تألیف نمی‌پرداخته است (نوری، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۴۶)؛ کثرت موارد نقل قول او از این اثر (ج ۱، مقدمه جعفریان، ص ۳۲-۳۳) مؤید این قول فاضل هندی، ج ۱، مقدمه جعفریان، ص ۳۲-۳۳) مؤید این قول است. همچنین گفته‌اند که وی از جامع المقاصد محقق کرکی، مسالک الافهام شهید ثانی، مدارک الاحکام سید محمد بن علی موسوی عاملی و مفتاح‌الکرامه سید محمد جواد بن محمد حسینی عاملی همواره بی‌واسطه استفاده می‌کرده است (ج ۱، مقدمه حرزالدین، ج ۲، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ حسینی عاملی، ج ۱، مقدمه خالصی، ص ۱۰). در موارد متعدد نیز از در اختیار داشتن نسخه‌های معتبر منابع حدیثی خبر داده است (برای نمونه ج ۲۳، ص ۳۰۹، ج ۳۷، ص ۱۰۲، ج ۴۳، ص ۲۳، ۲۷).

جواهر الکلام پس از تألیف، بسیار مورد اقبال و ستایش عالمان شیعه قرار گرفت، که از یک سو به دلیل شخصیت مؤلف آن (ج ۱، ص ۵، مقدمه، ص ۱۳)، معجزه‌ای پایدار، برترین شگفتی عصر خود (نوری، ج ۲، ص ۱۱۵؛ آل‌محبوبه، ج ۲، ص ۱۲۹) و مظهر نبوغ یک انسان (مطهری، ج ۳، ص ۸۱) برشمرده و گفته‌اند که هیچ فقهی برای استنباط فقهی بی‌نیاز از این کتاب نیست و با داشتن این کتاب، چندان به اثر دیگری نیاز ندارد (ج ۱، ص ۶۹-۷۲).

شهرت و مقبولیت جواهر الکلام چنان فراگیر شد که نام مؤلف آن و خاندانش را ذیل خود قرار داد و نجفی در زبان فقها به صاحب جواهر معروف شد.

دیدگاهها و استدلالهای صاحب جواهر در جواهر الکلام پس از وی در دروس و آثار فقهی و محافل علمی فقهای امامی مورد مراجعه و بحث و نقد قرار گرفته و می‌گیرد، مثلاً سید محمد کاظم طباطبائی یزدی که در العروة الوثقی کمتر به نام فقها اشاره کرده، آرا و استنباطهای مذکور در جواهر الکلام را بسیار مورد توجه قرار داده است (برای نمونه ج ۲، ص ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۸۸، ۴۹۲، ۵۱۲، ۵۴۱، ۶۴۵، ۷۷۰). شیخ مرتضی انصاری (متوفی ۱۲۸۱) در کتاب المکاسب بارها بدون تصریح به نام صاحب جواهر (با تعابیری چون «بعض المعاصرين» که مراد از آن را صاحب جواهر دانسته‌اند ج ۲، ص ۳۱۶، ۳۲۷، ۴۷۶؛ طباطبائی یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴، ۲۹) دیدگاههای وی، از جمله نظر او درباره معاطات، را بررسی و نقد کرده است (ج ۳، ص ۲۵، ۲۶۴، ۳۲۶، ج ۵، ص ۱۴۰، ۱۷۳-۱۷۴). سیره فقهای بعد نیز چنین بوده است (برای نمونه ج ۱، ص ۱۷۳-۱۷۴).

و مشارق الشموس آقا حسین خوانساری و ریاض المسائل سیدعلی طباطبائی، بهره‌گیری صاحب جواهر از آثار متعدد وحید بهبهانی و شاگردانش، که از استادان او به شمار می‌روند، چشمگیر است. از منابع فقهی اهل سنت، که معمولاً با واسطه از آنها نقل قول می‌شود، نام منابع فقه شافعی و حنفی بیشتر به چشم می‌خورد (برای نمونه ج ۲۰، ص ۱۹۱، ۳۰۳، ج ۴۰، ص ۳۴۸). همچنین رساله‌های فقهی متعددی در کتاب ذکر و از آنها نقل قول شده است.

شماری از منابع اصول فقه، از جمله الذریعة شریف مرتضی و عدة الاصول شیخ طوسی و نیز برخی منابع آیات الاحکام، از جمله فقه القرآن قطب راوندی (متوفی ۵۷۳) و کنز العرفان فاضل مقداد (متوفی ۸۲۶) و تفاسیری چون التبیان شیخ طوسی، مجمع البیان طبرسی (متوفی ۵۴۸) و الکشاف زمخشری از دیگر آثار مورد استناد در این کتاب است.

آثار حدیثی مهمی چون کتب اربعه، بحار الانوار مجلسی و وسائل الشیعة حرّعاملی، برخی منابع حدیث اهل سنت و آثار شیخ طوسی و نجاشی در علم رجال از دیگر منابع مورد استناد صاحب جواهرند. استفاده یا نقل قول او از منابع ادبی و اصطلاح‌شناسی، به‌ویژه در برخی مباحث، بسیار گسترده است و شمار زیادی از منابع مقدم مانند کتاب‌العین خلیل بن احمد و تهذیب اللغة از هری و منابع جدیدتر از جمله الطراز سیدعلی‌خان مدنی (متوفی ۱۱۲۰)، مجمع البحرین طریحی و المصباح المنیر قیومی را دربر می‌گیرد.

برخی منابع فارسی زبان نیز در آن ذکر شده‌اند، از جمله روض الجنان ابوالفتح رازی (متوفی پس از ۵۵۲)، جامع عباسی شیخ بهائی و حدیقة المتقین مجلسی اول. اشعار موجود در کتاب، به‌ویژه در مباحث طهارت و نماز، عمدتاً منقول از اثر منظوم فقهی بحر العلوم، الدرّة النجفیة، است، جز مواردی اندک که اشعار غیر فقهی آمده است (برای نمونه ج ۱، ص ۳، ج ۷، ص ۵، ج ۱۱، ص ۷۵). آثاری که نام آنها در جواهر الکلام آمده، در کتاب التعریف بمصادر الجواهر (ص ۲۲۱) معرفی شده و تعدادشان ۵۵۱ اثر ذکر شده است، هر چند شماری از آن آثار از قلم افتاده‌اند، از جمله نهایة الوصول فی علم الاصول علامه حلی (ج ۱، ص ۱۵، ج ۱۹۸۱) و شرح الکافی رضی‌الدین استرآبادی معروف به نجم‌الائمه (متوفی ۶۸۶). همان، ج ۷، ص ۱۹۲، ج ۱۱، ص ۴۵، ج ۳۵، ص ۹۵-۹۶.

با این همه، بسیاری از آثار یاد شده را نمی‌توان مأخذ و منبع جواهر الکلام به شمار آورد، زیرا تعابیر نجفی (از جمله: المَحْکِی عَنْ، مَایَحْکِی عَنْ) در این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که وی از شمار قابل توجهی از این منابع با واسطه نقل قول کرده است. بر این اساس، بیشتر این آثار را باید منبع با واسطه جواهر الکلام

ج ۲، ص ۱۸۰؛ توحیدی، ج ۲، ص ۹۲؛ سبزواری، ج ۵، ص ۶۴، ج ۱۱، ص ۲۷۳، ج ۱۹، ص ۲۹۶، هر چند برخی فقها در پاره‌ای موارد به دفاع از دیدگاههای صاحب جواهر برخاسته‌اند (برای نمونه - امام خمینی، کتاب الطهارة، ج ۳، ص ۴۱۵-۴۱۶؛ غروی تبریزی، التفتیح، در موسوعة، ج ۹، ص ۳۰؛ توحیدی، ج ۵، ص ۲۷۲).

پاره‌ای از آرای اصولی صاحب جواهر نیز از جانب شیخ انصاری (۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۵۲، ۳۶۵) و فقه‌های دیگر (حکیم، ج ۱، ص ۴۶۱؛ طباطبائی حکیم، ج ۴، ص ۹۹، ۱۰۱؛ فیاض، ج ۲، ص ۳۷۹) تحلیل و نقد شده است. از جمله این دیدگاه او که ضعف سند حدیث با اجماع یا شهرت قابل جبران است (توحیدی، ج ۱، ص ۵۱۳) یا اصرار او بر استناد احکام فقهی به اجماع، در حالی که در برخی موارد اصلاً اجماع تحقق نیافته (غروی تبریزی، التفتیح، در موسوعة، ج ۹، ص ۳۴۰) یا مستند به ادله‌ای است که خود مناقشه‌پذیر است (موسوی بجنوردی، ج ۲، ص ۳۲۱، ج ۴، ص ۳۳۷، ج ۵، ص ۲۸۶-۲۸۷؛ خلخالی، المعتمد، در موسوعة، ج ۲۹، ص ۱۷۴).

برخی فقها بر آن‌اند که در پاره‌ای موارد میان آرای صاحب جواهر در جواهر الکلام با فتاوی او در نجات‌العباد، که وی خود آن را (ص ۲) چکیده فتاوی جواهر الکلام شمرده، تفاوت‌هایی دیده می‌شود (آملی، ج ۲، ص ۴۷۰، ج ۳، ص ۷۴، ج ۹، ص ۵۲؛ بروجردی، المستند، در موسوعة، ج ۲، ص ۲۴۹). در مواردی، دیدگاههای صاحب جواهر درباره اسناد احادیث مورد استناد در احکام فقهی، از سوی شماری از فقها و حدیث‌شناسان نقد شده است (برای نمونه - کلباسی، ج ۱، ص ۳۷۷، ج ۲، ص ۳۱۷-۳۱۶؛ بروجردی، المستند، در موسوعة، ج ۲۱، ص ۴۳۱؛ خلخالی، المعتمد، در همان، ج ۲۶، ص ۲۴۵؛ محمدتقی خونی، مبانی العروة الوثقی، در همان، ج ۳۲، ص ۴۴). تدریس قسمتهایی از جواهر نیز نزد شماری از فقها متداول بوده است (موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، قسم ۲، ص ۶۸۸؛ حسینی، ج ۱، ص ۳۶۱).

به نظر محققان، به‌رغم اهمیت و عظمت کتاب جواهر الکلام، به دلیل نقل با واسطه احادیث و اقوال فقها بدون مراجعه به منابع اصیل، اشتباهاتی در آن راه یافته است (جواهر الکلام فی ثوبه‌الجدید، ج ۱، ص ۷۸). مثلاً، گاه اشتباهات موجود در نسخه‌های غیر معتبر در آن تکرار شده (برای نمونه - شهید اول، ج ۱، مقدمه، ص ۲۸۶) و گاه سند احادیث، اشتباه نقل شده (برای نمونه - ابوالقاسم خونی، ج ۲، ص ۴۲۲) یا با حدیثی دیگر خلط گردیده است (بروجردی، المستند، در موسوعة، ج ۲۲، ص ۳۱۶). گاهی به اشتباه، تعبیری که در منابع فقهی آمده، حدیث قلمداد شده است (موسوی بجنوردی، ج ۱، ص ۲۷۱). همچنین از آنجا که تألیف کتاب به ترتیب مباحث آن

صورت نگرفته، موارد متعددی از ارجاعات مؤلف به مباحث قبلی یا بعدی، با شکلی فعلی کتاب تطبیق نمی‌کند (برای نمونه - ج ۲۰، ص ۵۰، ۲۸۷، ج ۲۱، ص ۱۱۸، ۱۶۵، ۱۸۵، ۲۳۷، ج ۲۳، ۳۹۰، ج ۳۵، ص ۱۴۶، ۱۷۴).

شروح و حواشی متعددی بر جواهر الکلام یا بخشهایی از آن تألیف شده، از جمله الانصاف فی تحقیق مسائل الخلاف اثر محمد طاهای نجف تبریزی (متوفی ۱۳۲۳)، بحر الجواهر علی‌بن باقر بروجنی و الهدایة الی المرام من مبهمات جواهر الکلام سید محمد باقر موسوی همدانی (قم ۱۳۷۹ ش)؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۲، ص ۳۹۷، ج ۶، ص ۵۸؛ حسینی اشکوری، ج ۱، ص ۷۹-۸۰. همچنین فقیهان معروفی مانند آیت‌الله بروجردی (متوفی ۱۳۸۰)، ابوتراب خوانساری (متوفی ۱۳۴۶)، عبدالله بهبهانی (متوفی ۱۳۲۸)، ملاعلی کنی (متوفی ۱۳۰۶)، زین‌العابدین مازندرانی (متوفی ۱۳۰۹) و علی‌بن محمد مرعشی سیدالحکماء (متوفی ۱۳۱۶) بر آن حاشیه نوشته‌اند (آقابزرگ طهرانی، ج ۶، ص ۵۸؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، قسم ۱، ص ۲۶۶، ۳۱۰، ۳۷۴، ۴۴۰؛ فاضل لنکرانی، ج ۱، مقدمه، ص ۲۲؛ نیز برای حواشی دیگر - آقابزرگ طهرانی، همانجا؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۷۰، ج ۱۴، قسم ۱، ص ۵۹۵، قسم ۲، ص ۷۶۶؛ موسوعة مؤلفی الامامیة، ج ۲، ص ۳۲۷). علی‌بن زین‌العابدین مازندرانی فهرستی کامل از جواهر الکلام تدوین کرده که در ۱۳۲۲ در تهران چاپ شده است (آقابزرگ طهرانی، ج ۱۶، ص ۳۸۳). شرح حال اعلام مهم مذکور در جواهر الکلام و اشخاص دیگر در کتاب البدر الزاهر فی تراجم اعلام کتاب الجواهر اثر ناصر کرمی (قم ۱۴۲۴) آمده است.

از جمله آثار پژوهشی که درباره جواهر الکلام در قم فراهم شده، معجم فقه الجواهر است در شش جلد که در سالهای ۱۴۱۷ تا ۱۴۱۹/۱۴۱۹ تا ۱۹۹۸ در بیروت چاپ شد. این اثر معجمی فقهی به ترتیب الفبایی است شامل آن بخش از موضوعات و اصطلاحات فقهی که در جواهر الکلام آمده همراه با چکیده آرای فقهی درباره هر موضوع. اثر پژوهشی دیگر، جواهر الکلام فی ثوبه‌الجدید است که در هر صفحه آن، متن شرایع الاسلام همراه با دیدگاههای صاحب جواهر در بالا آمده و در پایین صفحه دیدگاههای مخالفان و ادله آنان و مناقشات و تحلیل‌های صاحب جواهر درباره آنها مطرح شده است و امتیازات دیگری نیز دارد (غفوری، ص ۹۶). از این اثر تاکنون (۱۳۸۶ ش) چهار جلد انتشار یافته است.

نسخه اصلی جواهر الکلام که مؤلف آن را تصحیح کرده بوده، به نوشته آقابزرگ طهرانی (ج ۵، ص ۲۷۶) شامل ۲۴ مجلد بوده است. نسخه‌های خطی متعددی از مجلدات گوناگون جواهر در برخی کتابخانه‌های نجف، قم، تهران، مشهد و همدان

الخوئی، ۱۹۹۹/۱۴۲۶؛ روح الله خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، کتاب الخلل فی الصلوة، قم [بی.تا.]: همو، کتاب الطهارة، تهران ۱۴۲۸؛ خوانساری؛ ابوالقاسم خوئی، مبانی تکملة المنهاج، قم ۱۳۹۶؛ محمدتقی خوئی، مبانی العروة الوثقی: کتاب النکاح، تقریرات درس آیه الله خوئی، در موسوعة الامام الخوئی، ج ۳۲، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۹۹۹/۱۴۲۶؛ عبدالاعلی سیزداری، مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۶؛ محمدبن مکی شهید اول، غایة المراد فی شرح نکت الارشاد، قم ۱۴۱۴-۱۴۲۱؛ محمدسعید طباطبائی حکیم، المحکم فی اصول الفقه، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۴؛ محمدکاظم بن عبدالعظیم طباطبائی یزدی، حاشیة المکاسب، قم ۱۳۷۸؛ همو، العروة الوثقی، بیروت ۱۴۰۹؛ علی غروی تبریزی، التفتیح فی شرح العروة الوثقی: کتاب الطهارة، تقریرات درس آیه الله خوئی، در موسوعة الامام الخوئی، ج ۹، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۹۹۹/۱۴۲۶؛ خالد غفوری، [درباره] جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، آینه پژوهش، سال ۱۲، ش ۱ (فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۰)؛ محمدفاضل لنکرانی، نهاية التقرير، تقریرات درس آیه الله حسین طباطبائی بروجردی، [قم بی.تا.]: محمدبن حسن فاضل هندی، کشف اللثام، قم ۱۴۱۶؛ محمداسحاق فیاض، محاضرات فی اصول الفقه، تقریرات درس آیه الله خوئی، قم ۱۴۱۰؛ علی اکبر کلانتری ارسنجانی، [عرف در مکتب فقهی صاحب جواهر، فقه: کاوشی نو در فقه اسلامی، ش ۲۴ (تابستان ۱۳۷۹)؛ ابوالهدی کلباسی، سماء المقال فی علم الرجال، چاپ محمد حسینی قزوینی، قم ۱۴۱۹؛ محمدحسن بن عبدالله مامقانی، غایة الامال فی شرح کتاب المکاسب، قم ۱۳۱۶؛ مرتضی مطهری، آشنائی با علوم اسلامی، ج ۳: اصول فقه، فقه، قم: صدرا، [؟ ۱۳۵۸ ش.]: معجم فقه الجواهر، بیروت: الغدیر، ۱۴۱۷-۱۹۹۸/۱۴۱۹-۱۹۹۸؛ موسوعة طبقات الفقهاء، اشراف جعفر سبحانی، قم: مؤسسة الامام الصادق، ۱۴۱۸-۱۴۲۴؛ موسوعة مؤلفی الامامية، قم: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۳۷۸-۱۳۷۹ ش.؛ حسن موسوی بجنوردی، القواعد الفقهية، چاپ مهدی مهریزی و محمدحسین درایتی، قم ۱۳۷۷ ش.؛ مرتضی موسوی خلخالی، قاعدة لاضرر، تقریرات درس آیه الله ضیاءالدین عراقی، چاپ قاسم حسینی جلالی، قم ۱۴۱۸؛ محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت ۱۹۸۱؛ همان، قم ۱۴۱۷-؛ همو، نجات العباد، محشی به حواشی محمدکاظم طباطبائی یزدی و اسماعیل صدر موسوی، [نجف ؟] ۱۳۱۸؛ حسین بن محمدتقی نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، قم ۱۴۱۵-۱۴۲۰. / سیدرضا هاشمی /

الجواهر المضية، نخستین تألیف درباره طبقات و شرح

احوال عالمان حنفی، به عربی، اثر ابن ابی الوفاء عبدالقادر بن محمد قرشی* (متوفی ۷۷۵).

به نوشته مؤلف (ج ۱، ص ۵)، سبب تألیف این کتاب، نبودن کتابی درباره طبقات و احوال عالمان حنفی مذهب و ترغیب برخی استادان و معاصران او، مانند قطب الدین

وجود دارد (آقابزرگ طهرانی، ج ۱۳، ص ۳۱۹-۳۲۰؛ استادی، ج ۲، ص ۱۹۷، ج ۳، ص ۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۳۲، ۱۴۶-۱۴۷، ۲۴۳-۲۴۲؛ جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، ج ۱، ص ۷۵؛ نجفی، ۱۴۱۷، ج ۱، مقدمه، ص ۳۳-۳۵).

نخستین چاپ سنگی جواهر الکلام در شش مجلد رحلی در ۱۲۶۲ (در زمان حیات مؤلف) انجام پذیرفت و تا ۱۳۷۶ این کتاب ۲۴ بار چاپ شد (جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، همانجا). چاپ جدید جواهر در فاصله سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۸ در ۴۳ جلد (با تحقیق عباس قوچانی، علی آخوندی، محمود قوچانی و رضا استادی) در نجف و تهران صورت گرفت و سپس چندین بار در تهران و بیروت به صورت افست تجدید چاپ شد. همچنین جواهر الکلام در قطع بزرگ در پانزده جلد (بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲) چاپ شد. از ۱۴۱۶ چاپ دیگری از این اثر با تحقیق مأخذ احادیث آن در مشهد آغاز شده که ناتمام مانده است. جدیدترین چاپ این کتاب با تحقیقی کامل و استوار در مؤسسة نشر اسلامی قم در حال انجام است که تاکنون شانزده جلد آن منتشر شده است.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ جعفر بن باقر آل محبویه، ماضی النجف و حاضرهما، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ محمدتقی آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران ۱۳۸۰؛ رضا استادی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی، ج ۲ و ۳، قم [بی.تا.]: محمدفاضل استرآبادی، [نگاهی به کتاب نفیس جواهر الکلام، فقه اهل بیت، سال ۲، ش ۸ (زمستان ۱۳۷۵)؛ مرتضی بن محمدامین انصاری، فرائد الاصول، قم ۱۴۱۹؛ همو، کتاب المکاسب، قم ۱۳۷۸ ش.؛ عزالدین بحر العلوم، بحوث فقهية، تقریرات درس آیه الله حلی، [بیروت] ۱۴۱۵؛ مرتضی بروجردی، المستند فی شرح العروة الوثقی: کتاب الصوم، تقریرات درس آیه الله خوئی، در موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۱-۲۲، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۱/۲۰۰۰؛ التعریف بمصادر الجواهر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.؛ محمدعلی توحیدی، مصباح الفقاهة فی المعاملات، تقریرات درس آیه الله خوئی، قم ۱۳۷۱ ش.؛ عبدالله جوادی آملی، کتاب الصلوة، تقریرات درس آیه الله محمد محقق داماد، قم ۱۴۱۶؛ جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، ج ۱، قم: مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامی، ۲۰۰۰/۱۴۲۱؛ مرتضی حائری، کتاب الخمس، تحقیق محمدحسین امراللهی، قم ۱۴۱۸؛ محمد حرزالدین، معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء، قم ۱۴۰۵؛ احمد حسینی، تراجم الرجال، قم ۱۴۱۴؛ احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی، ج ۱، قم ۱۳۵۷ ش.؛ محمدجوادی بن محمدحسینی عاملی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، چاپ افست قم: مؤسسة آل البيت، [بی.تا.]: عبدالصاحب حکیم، متقی الاصول، تقریرات درس آیه الله روحانی، ج ۱، قم ۱۴۱۶؛ رضا خلخالی، المعتمد فی شرح المناسک، تقریرات درس آیه الله خوئی، در موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۶-۲۹، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام